

طرح مطالعاتی «چشمه»

خلاصه مقرری ۱۹ آبان ۹۹ / از ابتدای مبحث «جبران ها» تا ابتدای مبحث «آثار خسارت»

جبران:

انسانی که در **عمل** و در **وجودش** به خسارت نشست، با آنچه که به دست آورده، از این خسارت نمی رهد. آنچه که انسان را از خسارتی که دیده و ظلمی که بر خود کرده و رکودی که پذیرفته نجات می دهد، این دو عامل است: **غفران** و **رحمت**.

غفران و رحمت در رابطه با **مقدار انکسار** و **شکست روحی تو** و **رنج التهاب تو** کم و زیاد می شود. آدمی که راه نیفتاد و جریان نگرفت و طبیعت هایش را محاکمه نکرد، یک مقدار از توانایی هایش راکد می ماند. تعقل و نظارتش بی کار می ماند و ناچار می گندد. و این گند در یک نقطه محبوس نمی شود، که باز می شود و منتشر می گردد. **غفران پاک کردن این گندهاست که از ناهماهنگی ما با سنت ها و نظام خدا برخاسته و تمام این نظام ها را در خود گرفته است.**

غفران و رحمت ما را از **خسارت عمل** می رهانند و اما **خسارت وجودی انسان** به وسیله ی عواملی که در سوره ی عصر به آن اشاره شد، مرتفع می شود. این عوامل عبارتند از:

۱. ایمان، ۲. توحید، ۳. تواصی، ۴. توجه به اسوه ها، ۵. طلب و دعا

۱. **عشق و ترس**، نیروهای نهفته ی انسان را شکل می دهند و راه می اندازند. و هر قدر این عشق عمیق تر باشد، این حرکت و گرایش شدید تر خواهد بود.

۲. رودخانه ی وجود انسان هنگامی که در هزار نهر افتاد و در هزار مرحله گرو رفت، دیگر چیزی از آن نمی ماند. آن جا که این **نیروهای عظیم** یکدست شدند و هماهنگ شدند و یک جهت شدند و **همه با یک محرک** راه افتادند، این **توحید، قدرت و رشد می دهد و فلاح و رویش** را پیش می آورد.

۳. **تذکر ها و یاد آوری ها**، انسان را از غفلت می رهانند و این تواصی و سفارش اگر به حق باشد، انسان را از برخورد های عاطفی نجات می دهد.

۴. **توجه به حجت ها و اسوه ها** به انسان نشان می دهد که در کجاست. و انسانی که فهمیده باید تا کجا باشد، آرام نمی گیرد و راه می افتد.

۵. آنجا که انسان به عجز می رسد، اگر به کمک و مددی معتقد باشد، به یاس نخواهد رسید. **مومن به عجز**
می رسد، اما به یاس هرگز. و این است که با رسیدن به عجز، نوبت **طلب و دعا** می رسد تا این وجود
پراکنده را جمع کنند و در راه پیش ببرند.